



## زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

### "کار - نان - آزادی، حکومت شورایی"

#### رفقای کارگر!

اول ماه مه روز جهانی کارگر، روز همبستگی جهانی کارگران، بر شما در هر کجای جهان خجسته باد! وضعیت کنونی دنیای معاصر بیانگر این ضرورت تاریخی است که نظام سرمایه‌داری باید برچیده شود، نظم کهنه باید جای خود را به نظمی نوین، نظمی سوسیالیستی بسپارد. این واقعیت سال از پی سال بیش از پیش آشکار می‌گردد. از بحران اقتصادی جهان سرمایه‌داری که سال‌هاست ادامه دارد تا بدتر شدن وضعیت معیشتی کارگران حتا در پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه‌داری در سال‌های اخیر و افزایش بیکاری. از افزایش شکاف طبقاتی که مدام عمیق‌تر می‌شود، تا گسترش فقر و نابودی محیط زیست و طبیعت. از جنگ‌های بی‌شماری که سالانه ده‌ها میلیون آواره و صدها هزار قربانی می‌گیرند که کودکان و دیگر غیرنظامیان از جمله بزرگترین قربانیان آن‌ها هستند تا گرسنگانی که هر روز بر تعدادشان افزوده می‌شود و امروز صدها میلیون انسان را در بر می‌گیرد. در همه جا آز و ولع طبقه‌ای دیده می‌شود که تنها ارزش و معیار اخلاقی برای آن کسب سود بیشتر است و "آزادی" عمل برای تحقق آن و برای رسیدن به سود بیشتر هیچ مرز و محدودیتی نیز برای خود قائل نیست. طبقه‌ای که مسبب تمامی فجایع تاریخ امروزی بشر است، طبقه سرمایه‌دار.

#### رفقای کارگر!

در ایران نیز ما شاهد عظیم‌ترین فجایعی هستیم که طبقه حاکم سرمایه‌دار به بار آورده است. مناسبات سرمایه‌داری در ایران یکی از وحشیانه‌ترین و خشن‌ترین اشکال خود را در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به نمایش گذاشته است. جمهوری اسلامی به عنوان نماینده سیاسی طبقه سرمایه‌دار، در طول این سال‌ها با اتخاذ سیاست اقتصادی نئولیبرال، از هیچ کوششی برای بالا بردن سود سرمایه‌داران فرو نگذاشته است. بیکاری بیش از ده میلیون نفر و رانده شدن کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه به زیر خط فقر، از جمله نتایج همین سیاست‌هاست.

فاصله طبقاتی در ایران تمام مرزهای پیشین را در نور دیده و در برابر چشمان حیرت‌زده بیش از ۹۰ درصد جامعه، اقلیتی چند درصدی در رفاه و آسایشی بسر می‌برند که در کمتر کشوری در جهان معاصر دیده می‌شود. رفاه و ثروتی که بر شانه‌های کارگرانی استوار است که خود در منجلاب فقر گرفتارند. کارگرانی که تولیدکننده تمام ارزش‌ها هستند.

در تمام این سال‌ها، جمهوری اسلامی به بهانه‌های مختلف به سرکوب مداوم دستمزدهای کارگری پرداخت و با تصویب قوانینی ضد کارگری، عملاً تلاش کرد تا شرایطی بدتر از دوران برده‌داری را به کارگران تحمیل کند، شرایطی که در آن خانواده‌های کارگری محکوم به گرسنگی شده‌اند. به موازات آن جمهوری اسلامی با سرکوب تشکلهای کارگری و کمونیست‌ها به عنوان یگانه مدافعان واقعی طبقه کارگر، تلاش کرد تا کارگران را در پراکندگی و بی‌تشکلی نگاه دارد. رژیم به‌خوبی می‌دانست که کارگران در صورتی که تشکلهای سیاسی و صنفی خود را داشته باشند، هرگز نخواهد توانست این شرایط اسفبار را به طبقه کارگر ایران تحمیل کند.

#### رفقای کارگر!

واقعیت امروز اما این است که شرایط به نفع طبقه کارگر و علیه طبقه حاکم سرمایه‌دار در حال تغییر است. رژیم جمهوری اسلامی در تمامی عرصه‌ها با بن‌بست روبرو شده و فساد سرتاپای نظام حاکم را در بر گرفته است. در همین حال و در پی شکست‌های متعدد، ناامیدی از بقای حکومت در میان سران و بدنه رژیم در حال گسترش است و در سوی دیگر، جنبش‌های اجتماعی و در راس آن‌ها، جنبش کارگری به پیشرفت مداوم خود ادامه می‌دهند.

بن‌بست نظام سرمایه‌داری و جمهوری اسلامی بویژه در عرصه اقتصادی، خود را بیش از دیگر عرصه‌ها نشان داده، به‌نحوی که سران رژیم نیز از بن‌بست اقتصادی به‌عنوان بزرگترین معضل جمهوری اسلامی نام می‌برند. بحران اقتصادی نظام سرمایه‌داری ایران که در اثر تشدید تضادها و عوامل متعدد اقتصادی و سیاسی، مدام عمیق‌تر شده است، در سال گذشته به آن‌چنان مرحله‌ای رسید که حتا برخی از اقتصاددانان جمهوری اسلامی نرخ تورم سه رقمی را پیش‌بینی کرده و هشدار دادند که در سال آینده (سال جاری) اقتصاد با بحران اقتصادی رکود - تورمی ژرف‌تری روبرو خواهد بود. ورشکستگی موسسات مالی و بانک‌ها یک نمونه دیگر است که رژیم را مجبور ساخت تا برای جلوگیری از فروپاشی سیستم بانکی، تمامی بانک‌های ورشکسته نظامی را در بانک دولتی سپه ادغام کند.

مجموعه شرایط کنونی از جمله بیکاری، رکود، تورم، ورشکستگی نهادهای مالی و فساد، همه نمادهای وضعیتی هستند که ثابت می‌کند شرایط کنونی قابل دوام نیست و باید تغییراتی در اساس مناسبات کنونی صورت گیرد. این تغییرات جز یک انقلاب اجتماعی به رهبری طبقه کارگر نخواهد بود. گذشت سال‌ها و بدتر شدن شرایط از جمله وضعیت معیشتی کارگران و زحمتکشان و چشم‌انداز تیره سال جاری، به همگان نشان

داده است که راهی جز یک انقلاب اجتماعی، برقراری حکومت شورایی و استقرار سوسیالیسم، برای رهایی از تمامی مصائبی که نظام سرمایه‌داری در ایران بوجود آورده، و یکی از مصائب آن بر سر کار آمدن رژیم فاسد و جنایتکار جمهوری اسلامی است، وجود ندارد.

## رفقای کارگر!

بن‌بست جمهوری اسلامی اما تنها در عرصه اقتصادی نیست. در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی نیز ناتوانی رژیم بر همه کس آشکار شده است. جدا از گسترش اسفبار نابسامانی‌های اجتماعی که در سایه گسترش فقر و بیکاری منجر به زندانی شدن حداقل ۲۰۰ هزار نفر شده و بخش بسیار مهم جامعه را در حاشیه شهرها به تباهی کشانده است، رژیم در عرصه سیاست خارجی نیز با بن‌بست روبرو شد. نه تنها از "برجام" چیزی باقی نماند، بلکه تضادهای جمهوری اسلامی با دولت‌های امپریالیست آمریکایی و اروپا و اغلب دولت‌های مرتجع منطقه به مرحله‌ای بحرانی رسید.

اما بزرگترین بن‌بست رژیم در عرصه سیاسی، ناتوانی در مقابله با گسترش و تعمیق جنبش انقلابی توده‌ها بود که در سال گذشته طبقه کارگر نقش بسیار پر رنگی در آن داشت و نه فقط دستاوردهای بزرگی برای جنبش کارگری به همراه آورد، بلکه توانست به دلیل نقش و رسالت طبقه کارگر، در دیگر بخش‌های جامعه نیز تأثیراتی شگرف از خود بر جای گذارد.

کارگران ایران اگر چه در سال‌های گذشته نیز بیشترین حجم از اعتراضات توده‌ای را به خود اختصاص داده بودند، اما سال گذشته طبقه کارگر ایران با برافراشتن پرچم "حکومت شورایی" به یکی از مهم‌ترین سوالات پیشروی جنبش انقلابی پاسخ داد و آن را در تمامی سلول‌های جامعه گسترش داد. طبقه کارگر با پیشرفت عظیمی که در مبارزات توده‌ها بوجود آورد، نقش و رسالت خود را در انقلاب آینده به اثبات رساند.

پیش از این توده‌ها در اعتراضات خود با شعارهایی چون "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر خامنه‌ای" و غیره خواستار سرنگونی جمهوری اسلامی شده بودند، اما این که چه چیزی باید جایگزین "جمهوری اسلامی" شود، روشن نبود و در شعارهای توده‌ها انعکاس نداشت. اگر چه در برخی از اعتراضات شعارهای موهومی در این رابطه داده شده بود، اما به دلیل همان موهوم بودن و پاسخ ندادن به خواست معترضان هرگز نتوانست فراگیر شود.

اما وقتی که کارگران هفت‌تپه پرچم شوراها را برافراشتند و شعار "نان، کار، آزادی، اداره شورایی" را سر دادند، این شعار به سرعت در همه جا فراگیر شد. از بازنشستگان و معلمان تا دانشجویان، در همه جا برپایی شوراها به عنوان یک ضرورت عاجل و فوری مطرح شد.

شعار "نان، کار، آزادی، اداره شورایی"، که بیان فشرده‌ای از میرم‌ترین مطالبات اقتصادی و سیاسی عموم توده‌های کارگر و زحمتکش است، بدیل طبقه کارگر را برای دگرگونی نظم موجود، در برابر همگان قرار داد و به سرعت در جامعه فراگیر شد. این آلترناتیو دقیقاً از آن رو توانست فراگیر شود که تنها آلترناتیو واقعی و تنها پاسخ واقعی برای تحقق فوری‌ترین مطالبات کارگران و زحمتکشان و حل معضلات جامعه است.

سازمان فدائیان(اقلیت) با تبریک اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران، طبقه کارگر ایران را فرامی‌خواند تا در اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) در همبستگی با کارگران سراسر جهان، دست از کار کشیده، کارخانه‌ها را تعطیل کنند و با برپایی تجمع‌ها و تظاهرات در خیابان‌ها با شعار "کار - نان - آزادی، حکومت شورایی" اول ماه مه را به روز نبرد قطعی برای سرنگونی نظم سرمایه‌داری حاکم بر ایران تبدیل کند.

## زنده باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

برقرار باد حکومت شورایی

نابود باد نظام سرمایه‌داری

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

۲۶ فروردین ۱۳۹۸

کار - نان - آزادی - حکومت شورایی